

پیشگیری اجتماعی از جرایم و تخلفات رانندگی در نهاد بیمه شخص ثالث

(با محوریت قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث

در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵)

سید حسین حسینی^۱، محسن نورپور^۲، حمیدرضا کریزی^۳

از صفحه ۹ تا ۳۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱/۲۵

چکیده

امروزه هرچه بیشتر شاهد تعامل بین آموزه‌های جرم‌شناختی و حوزه‌های مختلف علوم جنایی هستیم که در قوانین جدید نمود پیدا کرده است. از جمله این‌ها، قانون بیمه اجباری خسارات وارده به اشخاص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب سال ۱۳۹۵ است که قانون‌گذار، گام‌هایی به‌سوی پذیرش و عملیاتی کردن آموزه‌های جرم‌شناختی پیشگیرانه، هرچند به‌صورت متزلزل برداشته است. هدف این نوشتار، بررسی رویکرد پیشگیری اجتماعی از جرایم و تخلفات رانندگی در پرتوی نهاد بیمه شخص ثالث است. در این راستا تلاش می‌شود مبانی و جلوه‌های قانونی آن مورد تحلیل قرار گیرد. در واقع، سؤال اصلی پژوهش این است که نهاد بیمه شخص ثالث از چه طریق می‌تواند دارای رویکرد پیشگیرانه‌ای از جرم باشد؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که از جمله مبانی تعامل بین این نهاد و پیشگیری اجتماعی از جرم می‌توان به تعاون و همیاری اجتماعی، توزیع ضرر در جامعه و مشارکت جامعه مدنی در پیشگیری از جرم اشاره نمود. گونه‌های این نوع پیشگیری نیز عبارتند از پیشگیری از طریق فرهنگ‌سازی، توسعه یا تحدید حمایت‌های اجتماعی و قانونی از بیمه‌گذار و استمداد از ظرفیت جامعه محلی. تحلیل گفتمان قانون‌گذار در این حوزه، بیانگر ظهور رهیافت‌های نوینی در راستای پیش‌گیری از جرایم و تخلفات رانندگی است. **کلیدواژه‌ها:** بیمه شخص ثالث، پیشگیری اجتماعی از جرم، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، فرهنگ‌سازی.

۱- دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، Shosseini@ferdowsi.um.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، Nourpour.mohsen@yahoo.com

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، Hamid.karizi@gmail.com

بیمه از جمله نهادهایی است که با صنعتی شدن جوامع و زندگی بشری متولد شده و روزبه‌روز در امور مختلف در حال گسترش است. بیمه یک پشتوانه در دنیای مدرن محسوب می‌شود که این اطمینان را به افراد می‌دهد که در صورتی که خطایی در انجام وظایف صورت گیرد، این نهاد، خسارت وارده را جبران خواهد نمود.

آنچه در نهادهای ضمان عاقله، ضمان جریره و بیمه مهم بوده و موضوعیت دارد، «جبران خسارت» است؛ بنابراین شیوه پرداخت و افراد پرداخت‌کننده، وسیله‌ای برای رسیدن به هدف اصلی محسوب می‌شوند. در همین راستا، قانون‌گذار ایران نیز به سمت هرچه بیشتر به رسمیت شناختن نهادهای جدید و حذف یا کم‌رنگ‌تر کردن نهادهای سنتی گام برداشته است؛ برای مثال، به‌طور کلی ضمان جریره از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ حذف^۱ و ضمان عاقله نیز محدودتر و برعکس، مسئولیت مرتکب جرم و دولت توسعه پیدا کرده است.^۲ از جمله مهم‌ترین تغییرات در قوانین موضوعه ایران در باب مسئولیت نیز اولاً تأسیس صندوق‌های خاص جهت جبران خسارت بزه‌دیدگان است که می‌توان به صندوق جبران خسارت‌های بدنی در ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ اشاره نمود (در ماده ۱۰ قانون بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷ نیز به آن اشاره شده بود). در تبصره ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز پرداخت تفاضل دیه زن و مرد بر عهده این صندوق قرار گرفته است. ثانیاً توسعه بیمه شخص ثالث هم نسبت به

۱- تبصره ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مقرر می‌داشت: «کسی که با عقد ضمان جریره، دیه جنایت دیگری را به عهده گرفته است نیز عاقله محسوب می‌شود».

۲- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع شود به:

- فرجیها، محمد و بازیار، ابوالقاسم. (پاییز و زمستان ۱۳۹۰). جبران دولتی خسارت‌های بزه‌دیدگان در حقوق کیفری ایران و انگلستان. مجله حقوق تطبیقی، ۲(۲)، ۱۵۲-۱۳۳.

- حاجی ده‌آبادی، احمد. (بهار ۱۳۹۰). جبران دولتی خسارت بزه‌دیده و سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران، از «هست‌ها و نیست‌ها» تا «بایدها و نبایدها». فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۱(۱)، ۱۶۵-۱۸۳.

- بای، حسینعلی و اعتمادی، امیر. (پاییز ۱۳۹۰). قلمرو جبران خسارت به‌وسیله دولت در جنایات غیر عمدی «با نگاهی به نظام حقوقی انگلیس». مجله حقوق اسلامی، سال هشتم، (۳۰)، ۱۵۹-۱۸۸.

موضوعات متعدد و هم نسبت به اشخاص بیشتری صورت گرفته است. در این راهبرد گسترش مسئولیت بیمه، یک نوع رویکرد حمایت‌گرایانه نهفته است که خود می‌تواند گونه‌ای از پیشگیری اجتماعی از جرم محسوب شود.

در این نوشتار، قرائتی جرم‌شناختی از نهاد بیمه ارائه و چگونگی پیشگیری از جرم در این نهاد مورد تحلیل قرار می‌گیرد. محوریت بحث از طرفی پیشگیری اجتماعی از جرم^۱ و از طرف دیگر، قانون بیمه اجباری خسارات وارده به اشخاص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب سال ۱۳۹۵ (از این بُعد قانون بیمه اجباری شخص ثالث) است. مسئله اصلی پژوهش حاضر در ابتدا این است که آیا می‌توان اسلوب‌های پیشگیری اجتماعی را در نهاد بیمه یافت؟ دوم آنکه آیا این رویکرد جرم‌شناختی و ترمیمی که نسبتاً جدید هم است، در کنترل و پیشگیری از تحقق جرایم و تخلفات رانندگی مؤثر می‌باشد یا خیر؟ فرضیه پژوهش نیز این است که در این قانون و سایر قوانین جدیدالتصویب مرتبط با موضوع^۲، گفتمان پیشگیری از جرم در ادبیات قانون‌گذار - هرچند به صورت ناآگاهانه و جزیره‌ای - وارد شده و بیشتر جنبه عملی به خود گرفته است.

نهاد بیمه از منظر رویکرد جرم‌شناختی دارای نتایج مثبت و درعین حال دارای آثار منفی و چالش‌هایی است. آثار منفی آن به این صورت است که باب بی‌دقتی گشوده شده و بیمه جنایات خطای محض موجب می‌شود که افراد با آسودگی خاطر دست به ارتکاب جنایت زده و از مسئولیت ناشی از آن هراسی به دل راه ندهند (نوبهار، ۱۳۹۵: ۶۱۶؛ توجهی و اعتمادی، ۱۳۹۴: ۷۰). همچنین، معمولاً مقصر حتی در جلسات دادگاه هم شرکت نمی‌کند و محاکمه فقط با حضور بزه‌دیده و نماینده شرکت بیمه برگزار

1-Social prevention of crime

۲- برای اطلاعات تکمیلی در این باره رجوع شود به:

- نیازپور، امیرحسن. (۱۳۹۲). حقوقی سازی یافته‌های جرم‌شناسانه در کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. فصلنامه تحقیقات حقوقی، (۷۲)، ۲۳۳-۲۵۹.

می‌شود. یک نوع جایگزینی^۱ مشاهده می‌شود (دلمااس مارتی، ۱۳۹۳: ۲۳-۲۴). معمولاً نشست‌های گروهی و ملاقات‌های گروهی بین طرفین پرونده به‌منظور شرمسازسازی بزه‌کار که از اهداف عدالت ترمیمی^۲ است، برگزار نمی‌شود. نتیجه این امر، این است که بزه‌کار نسبت به عمل ارتكابی خویش هیچ احساس مسئولیتی نمی‌نماید و معتقد است که باید بیمه‌گر پاسخ‌گو باشد. در این صورت، با توجه به بازخواست‌نشدن فرد از طرف جامعه و قانون، احتمال ارتكاب مجدد جرم بعید نیست (نورپور، ۱۳۹۵: ۱۶۲).

ضرورت پژوهش بیشتر از آن رو است که می‌توان با فرهنگ‌سازی نهاد بیمه در جامعه و توسعه آن، هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی، از سویی به کاهش آسیب‌های اجتماعی جبران‌ناپذیر همانند فوت، ازکارافتادگی و از سوی دیگر، به جبران خسارت کامل و به‌موقع بزه‌دیدگان کمک نمود. قانون‌گذاری مطلوب و پذیرش اجتماعی آن از پایدارترین روش‌های پیشگیری از جرم محسوب می‌شود که گونه‌ای از دخالت پیشینی محسوب می‌شود. پاسخ به جرم به دو گروه قابل‌تقسیم است: پاسخ‌های پسینی و پاسخ‌های پیشینی. پاسخ‌های پسینی اصولاً جنبه واکنشی و دفاعی دارند و پس از ارتكاب جرم به آن توسل می‌شود. پاسخ‌های پیشینی به‌منظور پیشگیری از جرم و کاهش احتمال وقوع جرم مورداستفاده قرار می‌گیرند (غلامی، ۱۳۹۵: ۴۴). وجود قوانین و مقررات رانندگی کارآمد و بازدارنده به‌عنوان مکانیسم اصلی کنترلی و نظارتی می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از جرایم و تخلفات رانندگی داشته باشد (مؤمنی، ۱۳۹۴: ۱۲۴). پاسخ‌های پیشینی در نهاد بیمه شخص ثالث نیز قابل‌شناسایی است که در راستای پیشگیری اجتماعی از جرم قابل‌تحلیل بوده و در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود. لذا ضرورت انجام این پژوهش، کاهش میزان خسارات ناشی از جرایم و تخلفات رانندگی با توسل به تکنیک‌های پیشگیرانه بیمه‌ای می‌باشد.

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

1 -Replacement

2 -Restorative Justice

نویسنده در نظر دارد با تحلیل و بررسی مواد قانون بیمه اجباری شخص ثالث، به احصای شیوه‌های پیشگیری اجتماعی در تخلفات و جرایم رانندگی بپردازد. برای دستیابی به چنین هدفی، بعد از تعریف اجمالی پیشگیری اجتماعی از جرم، مبانی این نوع پیشگیری در نهاد بیمه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. سپس گونه‌های پیشگیری اجتماعی از جرم در پرتوی نهاد بیمه با محوریت قانون بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه ۱۳۹۵ در سه قسمت پیشگیری از طریق فرهنگ‌سازی، پیشگیری از طریق گسترش حمایت‌های اجتماعی - قانونی و همچنین سلب آن از فرد بیمه‌گذار، و پیشگیری از طریق استمداد از ظرفیت جامعه محلی و جامعی مورد آکاوای قرار خواهد گرفت.

پیشینه پژوهش

نهاد بیمه کمتر از بُعد جرم‌شناختی و به‌خصوص رویکرد پیشگیرانه مورد مطالعه واقع شده است. در پژوهش‌های انجام‌شده، تمرکز روی پیشگیری از جرایم و تخلفات رانندگی بوده است. در مقاله‌ای (کشفی، ۱۳۹۷)، پیشگیری از جرایم غیر عمد رانندگی با تأکید بر قانون بیمه اجباری خسارت وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مورد بحث واقع شده است. در این مقاله، محاسن این قانون همانند حق مراجعه بیمه‌گر به مسبب حادثه بابت باز یافت بخشی از خسارت پرداختی، تأکید بر مسئولیت راننده مسبب حادثه جهت افزایش مسئولیت‌پذیری وی، تکلیف بیمه‌گر به سرمایه‌گذاری در اموری که سبب کاهش سوانح رانندگی گردد و غیره مورد تحلیل واقع شده است.

در اثری دیگر، جایگاه پیشگیری وضعی در قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب سال ۱۳۸۹ بررسی شده است. نویسندگان بعد از تحلیل این قانون بر اساس مدل پیشگیری وضعی کورنیش و کلارک به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به اینکه این قانون از فناوری‌های نوین استفاده نموده، می‌تواند کارآمدی باشد (وروایی و

فتاحی، ۱۳۹۵).

در مقاله‌ای، نویسندگان سیر تحول سیاست تقنینی ایران در کنترل جرایم و تخلفات رانندگی را بررسی نموده‌اند. در این پژوهش، رویکرد قانون‌گذار ایران قبل و بعد از تصویب قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹ تحلیل شده است. بر اساس نتایج این پژوهش، در قوانین قبل از این قانون، تمرکز اصلی بر جرم‌انگاری یا به عبارتی دیگر، پیشگیری کیفری بوده است؛ در حالی که در این قانون، به رویکردهای پیشگیرانه غیرکیفری (پیشگیری اجتماعی و وضعی) نیز توجه شده است (وروایی و همکارانش، ۱۳۹۴).

در پژوهشی دیگر، تأثیر تدابیر پیشگیری غیرکیفری بر تغییر نرخ تخلفات رانندگی پس از اجرای قانون مصوب ۱۳۸۹ مورد واکاوی قرار گرفته است. مطابق یافته‌های این پژوهش، تدابیر پیشگیری غیرکیفری در زمینه پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی، تأثیر زیادی در تغییر نرخ تخلفات رانندگی داشته است (وروایی، ۱۳۹۴).

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، تمرکز عمده این پژوهش‌ها از طرفی بر کاهش جرایم و تخلفات راهنمایی و رانندگی از منظر رویکردهای پیشگیری از جرم بوده است. از طرف دیگر، قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی ۱۳۸۹ بیشتر مورد ارزیابی واقع شده است. نوآوری مقاله حاضر این است که اولاً نهاد بیمه شخص ثالث را از منظر پیشگیری اجتماعی از جرم، بازخوانی نموده است؛ ثانیاً بر قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ متمرکز شده است.

ادبیات و مبانی نظری پیشگیری اجتماعی از جرم در نهاد بیمه

در این قسمت، ابتدا مفهوم اجمالی پیشگیری اجتماعی ارائه و سپس مبانی این نوع پیشگیری از جرم در نهاد بیمه شخص ثالث مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱) بازتعریف پیشگیری اجتماعی از جرم

پیشگیری غیرکیفری به دو نوع اولیه^۱ و ثانویه^۲ تقسیم می‌شود که پیشگیری اجتماعی، نوعی از پیشگیری اولیه است. پیشگیری اجتماعی^۳ با ایجاد تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه، به دنبال کاهش ارتکاب جرم به صورت پایدار بوده و تلاش دارد تا اعضای جامعه را از طریق آموزش و تربیت با نظام اجتماعی و فرهنگی هماهنگ سازد (ساریخانی و سلطانی بهلولی، ۱۳۹۵: ۱۵۰). این گونه پیشگیری به دنبال تعیین عوامل بزهکاری، سازمان‌دهی برنامه‌هایی به منظور مقابله با آن و تغییر شرایط اجتماعی - اقتصادی نامناسبی است که فرد در آن زندگی می‌کند و منشأ رفتارهای ضداجتماعی وی می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۵۱).

پیشگیری اجتماعی، ایجاد تغییرات و اصلاحات فردی و محیطی است که به اصلاح جامعه و فرد و جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی منجر می‌شود. در پیشگیری اجتماعی از طریق آموزش، تربیت، ترغیب و تنبیه درصدد هستیم تا معیار شناخت اعمال خوب و بد را به فرد القا کرده و قدرت ارزیابی و ارزشیابی عملکرد خویش را به او بدهیم (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۲۷۰). پیشگیری اجتماعی که «آموزش و پرورش محور» بوده و مبتنی بر نظریه‌های جامعه‌شناختی بزهکاری است، بیشتر به دنبال کاهش بزهکاری از طریق تغییر محیط اجتماعی محل زندگی افراد است (همان، ۶۱ و ۶۳).

همچنین، فعالیت‌های پیشگیری اجتماعی به‌طور نوعی بر فروزی به‌منظور کاهش بیکاری، فقر مالی و تحصیلی و بیماری اجتماعی، در جهت کاهش جرم و ترس ناشی از جرم با توجه به ریشه‌های سببی انحراف موجود تأکید دارند. این مدل پیشگیری و موارد مشابه آن در پیشگیری اولیه، اهداف درونی را دنبال می‌کنند و علاوه بر اینکه کاهش جرم و بزه‌دیدگی را دنبال می‌کنند، به‌عنوان ابزاری در جهت کاهش ترس از

1- Primary Prevention
2- Secondary Prevention
3- Social Prevention

جرم نیز تلقی می‌شوند (لاب^۱، ۲۰۱۴: ۳۰). نهاد بیمه نیز همچون هر نهاد اجتماعی دیگر، دارای پشتوانه مردمی است و نوعی همبستگی اجتماعی - اقتصادی در جامعه ایجاد می‌نماید که به راحتی می‌توان از آن در راستای پیشگیری از جرم کمک گرفت.

۲) مبانی پیشگیری اجتماعی از جرم در نهاد بیمه

مبانی پیشگیری اجتماعی از جرم در نهاد بیمه دارای پشتوانه قوی بوده و تعاون و همیاری اجتماعی و توزیع ضرر در جامعه از مصادیق این مبانی است.

۲-۱) تعاون و همیاری اجتماعی

تعاون و همیاری اجتماعی در ساختار سازمان‌های مردم‌نهاد، مؤسسات خیریه، تعاونی‌های اجتماعی و مالی و غیره تحقق می‌یابد؛ اما این موضوع با رویکرد حمایت مالی در بیمه، جایگاه تازه‌ای دارد که تا حدودی سابقه خود را از نهاد ضمان عاقله در حقوق کیفری می‌گیرد.

حکمت ضمان عاقله و همچنین نهاد بیمه که در حال حاضر جایگزین آن شده، این است که خسارت‌های وارد به افراد را جبران کند؛ به‌ویژه به این دلیل که جانباختن نوعاً فقیر و تهی دست هستند و حکم ضمان عاقله، نوعی تأکید بر عدالت و تعاون اجتماعی است (نوبهار، ۱۳۹۵: ۶۱۶).

لازم است با توجه به شرایط روز جامعه، نهادهای ضمان عاقله و جریره را متحول کرده و سیری تکاملی برای آن ترسیم نمود. این نهادها در زمان خود به نوعی حالت بیمه داشته‌اند و نیازهای زندگی قبیله‌ای را پاسخ‌گو بودند. بر این مبنا می‌توان مسئولیت ناشی از جنایت خطایی را در قالب عقد بیمه‌ای گنجانده و ضوابط و شرایط خاص آن را نیز تدوین کرد تا بتوان به وضعیت مطلوب‌تری دست یافت (توجهی و اعتمادی، ۱۳۹۴: ۷۰). بنا بر نظریه قراردادی بودن ضمان عاقله، آن‌گونه که در روایات و فتاوی آمده، می‌توان بیمه‌های اختیاری مشابه به نهاد ضمان عاقله را طراحی و جایگزین نمود.

جزئیات این قرارداد را که مبتنی بر تعاون و همبستگی اجتماعی است، می‌توان در قالب قرارداد روشن نمود (نوبهار، ۱۳۹۵: ۶۳۳). نهاد بیمه شخص ثالث همانند همتایان سابق خویش یعنی ضمان عاقله و ضمان جریره دارای کارکرد جبران‌کننده خسارت است.

۲-۲) توزیع ضرر در جامعه

در نظام مسئولیت فردی^۱، خسارت، رنج و مصیبت فردی است. حادثه زیان‌بار، قربانی خود را برمی‌گزیند و بقیه از گزند آن مصون می‌مانند. در این منطبق، حادثه، زیان‌دیده و عامل خسارت را از گروه اجتماعی جدا و مستثنا می‌کند؛ چراکه حادثه فی‌نفسه، استثنا است و با رخداد نادر خود، نظم موجود را برهم می‌زند. حادثه، ناشی از تقصیر یا حداکثر فعل فردی است (والد به نقل از قسمتی تبریزی، ۱۳۸۹: ۷۱). تکنیک‌های بیمه‌ای، این شیوه برداشت را تغییر می‌دهند و قاعده توزیع ضرر بر تک‌تک افراد جامعه را اعمال می‌کنند. دیگر در تکنیک‌های بیمه‌ای، خطر فردی وجود ندارد. خطر، مربوط به یک جمعیت است و تنها روی این گروه است که می‌توان مشخصه قبلی خطر یعنی قابلیت محاسبه را اعمال کرد. از این رو حوادث جدید، نه به طبیعت یا اشیا بلکه به جامعه برمی‌گردند. حوادث جدید، محصول زندگی جمعی هستند و برخلاف گذشته، حادثه قاعده است و فقدان حادثه، استثنا است. مع‌هذا این امر مستلزم آن نیست که همگان در معرض خطری واحد باشند. کار تکنیک بیمه‌ای نیز این است که هرکس را جزئی از کل و خطرات را اجتماعی می‌کند. لذا با تعلق به گروه حادثه‌دیده، هیچ‌کس نمی‌تواند به دست‌آویز اینکه حادثه گریبان او را نگرفته است، از آن بگریزد و خود را متمایز کند (همان).

از این رو می‌توان از بازجمعی شدن مسئولیت کیفری و اجتماعی^۲ صحبت نمود و به‌مثابه آن، پیشگیری اجتماعی از جرم را بیش‌ازپیش محقق ساخت. در همین راستا، درمورد حوادث رانندگی که مسئول مشخص نیست یا نمی‌تواند خسارت را جبران

1 -Personal Responsibility

2-Integration Criminal Responsibility

کند، جبران خسارت از سوی صندوق تأمین^۱ انجام می‌شود. در نهاد بیمه شخص ثالث، تمامی بیمه‌گذاران در پرداخت خسارات وارده به بزه‌دیدگان سهیم هستند؛ به طوری که ممکن است بیمه‌گذاری اصلاً در طول چندین سال خسارتی از شرکت بیمه دریافت نکند یا تصادفی نکرده باشد، ولی با پرداخت حق بیمه، در جبران خسارات وارده به سایر بزه‌دیدگان نقش دارد. در واقع، خسارات وارده به اشخاص بین تمامی بیمه‌گذاران توزیع و سرشکن می‌شود.

ب) گونه‌شناسی پیشگیری اجتماعی از جرم در نهاد بیمه

آموزه‌های جرم‌شناسی همواره بر حقوق کیفری تأثیرگذار بوده و به شکل‌های مختلف در عرصه قانون‌گذاری کیفری ایران وارد شده است؛ به گونه‌ای که می‌توان از «هنجارمند شدن یافته‌های جرم‌شناسانه» سخن گفت؛ بنابراین آموزه‌های جرم‌شناسانه از حالت نظری صرف خارج شده و به صورت یک سازوکار و نهاد حقوقی درآمده‌اند (نیازپور، ۱۳۹۴: ۲۳۳). از مهم‌ترین این نتایج، امر پیشگیری از جرم است که در سطوح بین‌المللی، ملی و محلی مورد توجه واقع شده است. در این بحث، پیشگیری اجتماعی از جرم در نهاد بیمه به سه شکل مختلف فرهنگ‌سازی، گسترش و سلب حمایت‌های اجتماعی - قانونی و پیشگیری از طریق استمداد از ظرفیت جامعه محلی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱) تقویت گفتمان‌های اجتماعی - قانونی پیشگیری از جرم

فرهنگ‌سازی، مقوله‌ای پیچیده و چندمحوری است که برای نتیجه‌بخش بودن رویکردهای آن، همکاری چندجانبه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نهادهای مختلف جامعه را می‌طلبد. رسانه به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای فرهنگ‌ساز در جامعه، نقش مستقیم و پراهمیت‌تری را در این مقوله بازی می‌کند. بر اساس آموزه‌های

۱- نهادی که بودجه خود را با پرداختی‌های غیرمستقیم بیمه‌گذاران تأمین می‌کند و به معنای واقعی، نقش اعمال توزیع ضرر و مسئولیت جمعی را دارد.

جرم‌شناسی فرهنگی^۱، «در چهارچوب الزامات سازمانی و کارایی و عادی‌سازی، نهادهای رسانه‌ای به‌طور منظم بر داده‌هایی متکی هستند که دستگاه‌های نظارتی و قضایی به‌طور انتخابی در اختیار آن‌ها می‌گذارند و برای این منظور به برجسته‌سازی مسائلی برای مردم می‌پردازند که نهادها و دستگاه قضایی گزینش کرده و این گزینشگری به‌نوبه خود به شکل‌دهی دستورکار سیاسی نظام عدالت‌کیفری و ایجاد حمایت عمومی برای این دستورات کمک شایانی می‌کنند» (فرل^۲ و همکاران، ۲۰۰۴: ۴۰۶).

در این راستا، ماده ۸۰ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰) به‌منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، مهم‌ترین امر را پیشگیری دانسته و در بند الف این ماده، «پیشگیری اولیه از بروز آسیب‌های اجتماعی از طریق اصلاح برنامه‌ها و متون درسی دوره آموزش عمومی و پیش‌بینی آموزش‌های اجتماعی و ارتقای مهارت‌های زندگی» را مقرر کرده است. عنوان قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹ نیز اگرچه پیشگیری واکنشی^۳ از گذر ضمانت اجرای کیفری^۴ را به ذهن متبادر می‌کند، ولی نیروی انتظامی با مشارکت و همراهی بخش‌های دیگر جامعه از جمله رسانه‌ها می‌تواند با ابزارهایی مانند فرهنگ‌سازی و آموزش، زمینه‌های پیشگیری از تخلفات و جرایم رانندگی را کاهش دهد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۶۵). از آنجایی که برابر آمارهای ارائه شده، بیشتر تصادفات رانندگی ناشی از علل انسانی است؛ لذا تقویت نهاد فرهنگی جامعه از حیث آموزش رعایت قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی ضروری است. علی‌الاصول بدون ایجاد درک صحیح در جامعه نسبت به این قبیل قوانین و مقررات، توفیق چندانی در مبارزه با این مشکل که خود بشر آن را ساخته، امکان‌پذیر نیست (ورویایی و فتاحی، ۱۳۹۵: ۱۰۳). مهم‌ترین اقدام پیشگیرانه در بُعد پیشگیری اجتماع-

1- Cultural criminology

2- Ferrell

3- Reactive prevention

4- Criminal sanction

مدار، آموزش نیروی انسانی است. هرچند که این‌گونه پیشگیری بسیار زمان‌بر و پرهزینه است، ولی دارای آثار بلندمدت قابل توجهی است (صبوری‌پور و جلیل‌وند، ۱۳۹۶: ۱۸۹).

در همین راستا، قانون بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۹۵ نیز در تبصره ۵ ماده ۲۴ به مقوله فرهنگ‌سازی جهت پیشگیری اجتماعی از حوادث خارج از پوشش بیمه‌ای توجه نموده است. مطابق این تبصره، «صندوق می‌تواند با تصویب مجمع عمومی مربوط، حداکثر تا دو درصد از منابع مالی خود را جهت تعمیم امر بیمه، گسترش فرهنگ بیمه، ترغیب رانندگان فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث به اخذ بیمه‌نامه و پیشگیری از زیان‌های ناشی از حوادث رانندگی از طریق عقد قرارداد با وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط از قبیل سازمان صداوسیما، وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی و ورزش و جوانان اختصاص دهد؛ اما ایرادی که به این سیاست‌گذاری وارد است، این است که اولاً فرهنگ‌سازی پیشگیری اجتماعی را منوط به تصویب مجمع عمومی دانسته است؛ ثانیاً این امر را اختیاری قلمداد کرده است؛ ثالثاً اجرایی‌شدن این امر مهم منوط به انعقاد قرارداد با سازمان‌های متصدی از جمله صداوسیما است که دارای اختیارات زیادی در مورد فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌ها و تبلیغ هستند. اهمیت و جدیت موضوع جرایم رانندگی و آثار آن در جامعه، اهتمام قانون‌گذار را در جهت هرچه بیشتر توجه‌نمودن به مقوله فرهنگ‌سازی بیمه در تمامی حوادث می‌طلبد تا با این دیدگاه، هم صنعت بیمه رشد اقتصادی داشته باشد و هم بزه‌دیدگان از پوشش گسترده خسارات خود بهره‌مند گردند. مطابق ماده ۲۳ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹ نیز پنج درصد از جریمه‌های تخلفات رانندگی جهت تبلیغ در راستای ارتقای فرهنگ رانندگی و رعایت مقررات، در اختیار پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی قرار می‌گیرد تا آن را از طریق دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط هزینه نمایند (وروایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۵).

نکته دیگری که در رابطه با نقش فرهنگ‌سازی بیمه‌ای حائز اهمیت است، فرهنگ‌سازی شرکت‌های بیمه جهت گزارش آمار جرایم واقعی است. رقم سیاه بزهکاری^۱ و مخفی‌ماندن آمار واقعی جرایم سوانح رانندگی، همواره طرح‌های متولیان سیاست جنایی در راستای پیشگیری از وقوع جرایم را تحت تأثیر قرار داده است. از آنجایی که استفاده از مزایای بیمه‌نامه‌ها مستلزم اعلام خسارت از ناحیه زیان‌دیدگان است، بدون تردید، بخش عمده‌ای از جرایم ارتكابی که در حالت معمول اعلام نمی‌گردد، توسط بیمه‌گران ثبت گردیده و ارائه این آمار توسط مؤسسات بیمه می‌تواند کمک شایانی به سیاست جنایی کشور و اصلاح آمار جنایی بنماید؛ بنابراین تعمیم بیمه، علاوه بر گسترش زمینه‌های خسارت‌زدایی، در شفاف‌سازی آمار جنایی نیز ایفای نقش مطلوبی را به خود اختصاص می‌دهد (مبرقی، ۱۳۸۴: ۳۷). استفاده از داده‌های بزه‌دیده‌شناسی قانونی نیز در این راستا مفید و مؤثر خواهد بود. «بزه‌دیده‌شناسی قانونی»^۲ سیستم عدالت را برای آموزش به کار می‌گیرد. هدف این زمینه مطالعاتی، این است که حوزه پژوهشی را هوشیار کند تا نیازهای بررسی و پژوهش‌های علمی از شاهد بزه‌دیده (در بحث ما حادثه‌دیدگان جرایم و سوانح رانندگی) برای حضور در محضر دادگاه و مؤسسات بیمه‌ای برآورده شود و نتایج بیرون‌آمده در اکثر آرای دادگاه‌ها و مؤسسات بیمه، نسبت به وضعیت بزه‌دیده آگاهانه باشد (فرگوسن و توروی،^۳ ۲۰۰۹: ۱۹).

ملاحظه می‌شود که امروزه ادبیات پیشگیری از جرم در قوانین ایران به‌صراحت به چشم می‌خورد. آموزش‌ها و پژوهش‌های دانشگاهیان درمورد پیشگیری از جرم، به شکل‌گیری تدریجی نوعی فرهنگ پیشگیری در سطح جامعه منجر شده است. قانون‌گذار در کنار جرم‌نگاری^۴ و کیفرگذاری در قوانین مختلف، ماده یا موادی را به پیشگیری از جرم اختصاص می‌دهد. گویی تصمیم‌گیران سیاست جنایی ایران نیز به

1-Black figure of crime

2-Forensic victimology

3-Ferguson & Turvey

4-Criminalization

این باور رسیده‌اند که زوج «کیفری و پیشگیری» به موازات هم با سرمایه‌گذاری برابر می‌تواند موج بزهکاری را در حد مطلوب مهار یا حتی به عقب راند (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۳-۱۴). در بخش پیشگیری از جرم به‌عنوان اصلی‌ترین و بهترین روش‌های پیشگیری، پلیس راهنمایی و رانندگی در راستای فرهنگ‌سازی و آموزش، اقدامات مناسبی همانند اجباری شدن حضور در کلاس‌های آموزشی جهت اخذ گواهی‌نامه، طرح همیاران پلیس و آموزش از طریق رسانه‌های جمعی در برنامه‌های متعدد انجام داده است (وروایی، ۱۳۹۴: ۴-۱۲۳).

۲) توسعه یا تحدید حمایت‌های اجتماعی - قانونی؛ رویکردی نوین در حوزه پیشگیری

اینکه واکنش اجتماعی باید متناسب با جرم ارتكابی در مرحله جرم‌انگاری و کیفرگذاری باشد، امروزه به‌عنوان یکی از اصول مهم و کاربردی حقوق کیفری درآمده است و در بسیاری از نظام‌های حقوقی نیز جنبه عملی به خود گرفته است. مطلب مهمی که در این باره وجود دارد، این است که باید مجازات تعیین شده بر اساس خواسته‌های جامعه و هم‌سو با افکار عمومی باشد تا بتواند کارایی داشته باشد. علی‌الاصول مجازات‌های بیش‌ازحد سخت و خشن یا برعکس، نرم و منعطف در جامعه مورد اقبال واقع نخواهد شد. همان‌طور که دورکیم نیز بیان می‌کند، امروزه نظام‌های کیفری روی گردانی بیشتری از مجازات‌های بدنی داشته و به‌جای آن، مجازات‌های اجتماعی و ترمیمی را به‌عنوان یک راهبرد کلی در دستورکار خویش قرار می‌دهند. اعمال چنین پاسخ‌هایی در مورد جرایم راهنمایی و رانندگی نیز قابلیت اعمال دارند و بلکه حتی باید چنین باشد تا از کارایی لازم برخوردار باشد. برخی از تغییرات و واکنش‌های تقنینی متناسب در این حوزه که نشانگر پذیرش و رشد مجازات‌های مدرن است، مورد تحلیل واقع می‌شود.

۲- ۱) گسترش حمایت‌های قانونی از بیمه‌گذار؛ توسعه راهکارهای تشویقی

این مدل از پیشگیری در قانون بیمه به چند شکل مختلف مطرح گردیده است.

تخفیف‌های قانونی و قابل‌انتقال‌بودن از طریق ارث، تشویقی کارآمد در راستای پیشگیری اجتماعی از طریق سازوکار تقنینی تلقی می‌گردد. در واقع، این نوع واکنش تشویقی قانون‌گذار جنبه‌ایجابی دارد و راهکاری بسیاری مهم جهت ایجاد انگیزه و رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در افرادی است که قانون را زیر پا نمی‌گذارند. این بار قانون‌گذار به جای مجازات افراد ناقض قانون، سراغ افراد محترم جامعه می‌رود که قانون را رعایت می‌نمایند.

الف) تخفیف‌های قانونی^۱: در این رابطه، تبصره ۵ ماده ۱۸ قانون بیمه بیان می‌دارد که: «شرکت‌های بیمه موظفند در چهارچوب ضوابط مربوط نسبت به اعطای تخفیف به رانندگانی که دوره‌های آموزشی رانندگی ایمن و کم‌خطر را سپری نموده و موفق به اخذ گواهی‌نامه‌ی مربوط شده‌اند، اقدام کنند...».

ب) به‌ارث‌رسیدن و قابل‌انتقال‌بودن: در این رابطه، تبصره ۶ ماده ۶ همان قانون بیان می‌دارد که: «کلیه تخفیفاتی که به‌واسطه نداشتن حوادث منجر به خسارت در قرارداد بیمه موضوع این قانون اعمال شده باشد، متعلق به انتقال‌دهنده است. انتقال‌دهنده می‌تواند تخفیفات مذکور را به وسیله نقلیه دیگر از همان نوع که متعلق به او یا متعلق به همسر، والدین یا اولاد بلاواسطه وی باشد، منتقل کند».

۲-۲) تحدید حمایت اجتماعی از فرد فاقد بیمه‌نامه؛ توسعه راهکارهای تنبیهی

در این قسمت، چند مورد از واکنش‌های تنبیهی متناسب با جرایم و تخلفات رانندگی بررسی می‌شود. ممنوعیت ارائه هرگونه خدمات به دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث با هدف گسترش ضریب نفوذ بیمه است که گامی مهم در اجرای همه‌گیری قانون بیمه اجباری و جلوگیری از تردد وسایل نقلیه فاقد بیمه‌نامه است. این راهکار می‌تواند در کاهش تخلفات و جرایم رانندگی مؤثر باشد (صفایی و فرهانی، ۱۳۹۳: ۱۴۷). واکنش‌های سلبی و محدودکننده حقوق اجتماعی، نوعی راهکار عینی و عملی برای افرادی است که قانون را رعایت نمی‌نمایند. برای

کسی که قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت نمی‌نماید، مجازات حبس چندان کارساز نخواهد بود؛ ولی اگر همین فرد از رانندگی کردن ممنوع شود (امری که در ماده ۵ قانون بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷ پیش‌بینی شده بود) یا از مزایای آن مانند موارد زیر محروم گردد، چه‌بسا کارایی آن بسیار بیشتر از مجازات‌های سستی باشد. در زیر، چند نمونه از واکنش‌های سلبی متناسب با جرایم و تخلفات راهنمایی و رانندگی ذکر می‌شود.

الف) عدم ارائه بار و حمل و نقل: سلب حقوق اجتماعی افراد متخطی از اعمال بیمه‌نامه معتبر مرتبط با وسایل نقلیه و ممنوعیت از حمل بار و مسافر در راستای اهداف تنبیهی پیشگیری اجتماعی است که در ماده ۴۴ قانون فوق‌الذکر به آن پرداخته شده است. مطابق این ماده، «دادن بار یا مسافر و یا ارائه هرگونه خدمات به دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث معتبر از سوی شرکت‌ها و مؤسسات حمل و نقل بار و مسافر درون‌شهری و برون‌شهری ممنوع است...». مشابه این ماده، در تبصره ۲ ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹^۱ پیش‌بینی شده که در صورت مجهز نبودن وسایل نقلیه به موارد پیش‌بینی شده در قانون، شماره‌گذاری و ارائه خدمات به آن‌ها ممنوع است.

ب) توقیف کردن وسیله نقلیه: ماده ۴۲ این قانون نیز^۲ ضمن اهمیت به اسلوب‌های پیشگیری وضعی در جهت کنترل بیمه و دارندگان وسیله نقلیه، توسط مأموران راهنمایی و رانندگی به توقیف وسیله نقلیه به‌مثابه عدم حمایت از متخلفان قانونی و به‌نوعی هدف تنبیهی پرداخته است.

ج) قطع کارت سوخت: در این رابطه، ماده ۴۸ قانون فوق‌الذکر بیان می‌دارد که: «ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت مکلف است از صدور هرگونه کارت سوخت و

۱- مطابق این تبصره: «کلیه وسایل نقلیه باید به تجهیزاتی که در قوانین و مقررات معین می‌شود، مجهز باشند. در صورت مجهز نبودن وسایل نقلیه به تجهیزات مذکور، راهنمایی و رانندگی از شماره‌گذاری و ارائه خدمات به آن‌ها خودداری می‌نماید...».

۲- بر اساس ماده ۴۲ قانون فوق: «... مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه موظفند در صورت احراز فقدان بیمه‌نامه، وسایل نقلیه فاقد بیمه‌نامه موضوع این قانون را تا هنگام ارائه بیمه‌نامه مربوط در محل مطمئن متوقف کنند...».

تخصیص اولیه سهمیه یا ادامه آن برای وسیله نقلیه فاقد بیمه‌نامه خودداری کند». این ماده نیز تنبیه خارج از ساختار کیفری و به صورت محرومیت بخش کوچکی از حق اجتماعی را مدنظر قرار داده است. ملاحظه می‌گردد که در موارد سه‌گانه فوق، نوعی محرومیت از حقوق اجتماعی مرتبط با وسیله نقلیه پیش‌بینی شده است که می‌تواند در راستای گسترش فرهنگ بیمه و کاهش جرایم مرتبط با این حوزه بسیار کارساز باشد. مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی (سلب حق رانندگی) علاوه بر اهداف توان‌گیرانه، دارای کارکرد اصلاحی - درمانی نیز است؛ البته این هدف زمانی محقق می‌شود که همراه با تدابیر آموزشی به راننده متخلف باشد (وروایی، ۱۳۹۴: ۱۲۲).

۲- ۳) حمایت از بزه‌دیده

بزه‌دیده‌شناسی حمایتی^۱ بر این اندیشه استوار است که جامعه به‌طور کلی و نظام عدالت کیفری به‌طور خاص باید در همه لایه‌های خود (لایه‌های مشارکتی، قانون‌گذاری، قضایی و اجرایی) توجه به حق‌های شایسته و نیازهای بایسته بزه‌دیده را وارد سازند و به ترمیم آسیب‌دیدگی‌ها و جبران آثار بزه‌دیدگی آنان جامه عمل ببوشانند تا از این راه به پیشگیری اجتماعی از بزه‌دیدگی بپردازند و در صورت عدم اعمال قواعد پیشگیرانه با اجرای سیاست‌های حمایت‌گرا^۲، این خلأ را پوشش دهند.

به همین منظور، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی فراتر از یک جبران مادی با تأکید بر حمایت‌های مالی یا اقتصادی، به ترمیم درد و رنج‌های عاطفی برخاسته از جرم و نیز شناسایی حقوق مشخصی برای بزه‌دیدگان با هدف احقاق حقوق و جبران واقعی آثار بزه‌دیدگی آنان در چهارچوب یک الگوی چندگانه حمایتی (حمایت مالی، عاطفی و حیثیتی، شکلی، پزشکی و اجتماعی) می‌اندیشد.^۳ بدین ترتیب، از آنجاکه بزه‌دیده‌شناسی حمایتی با جبران همه آسیب‌های وارد بر بزه‌دیده - به‌ویژه با ترمیم^۴ درد و رنج‌های

1- Assistance-Oriented Victimology

2- Assistance-Oriented Politics

۳- بسیاری از نویسندگان حوزه بزه‌دیده‌شناسی معتقد به این هستند که حوزه فعالیت بزه‌دیده‌شناسی بیش از اینکه با مقوله روان‌شناسی مرتبط باشد، با ساز و کارهای پیشگیری اجتماعی و جامعه‌شناسی گره خورده است (ویلسون، ۲۰۰۹: ۳۰۵).

4-Rehabilitate

عاطفی و آسیب‌های روانی برخاسته از جرم - راه حمایت از بزهدیدگان را می‌پیماید، هدف اصلی بزهدیده‌شناسی را امروزه باید پیشگیری از بزهدیدگی^۱ از گذر زدودن پیامدهای بدنی، روانی، عاطفی، حیثیتی و مالی برخاسته از جرم دانست (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۶). گونه‌های بزهدیده‌شناسی حمایتی در قانون بیمه به چند دسته تقسیم می‌گردد:

الف) جبران خسارت مادی^۲: این کلمات در نوشتگان بزهدیده‌شناسی عبارتند از بازگرداندن مال بزهدیده به او، پرداخت پول برای آسیب یا زیان واردشده، پرداخت هزینه‌هایی که در پی بزهدیدگی حاصل شده است (مانند هزینه‌های پزشکی)، انجام خدمات و حتی ترمیم حقوق بزهدیده. قبل از تصویب قانون بیمه حمایت شخص ثالث در قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹، به‌طور عمده به‌سوی حمایت کیفری و مالی از زیان‌دیدگان و بزهدیدگان تخلفات و جرایم رانندگی گام برداشته شده است. قانون‌گذار حتی کوشیده در مواردی که تخلف یا تقصیری احراز نشده است، از گذر سازوکارهایی همانند بیمه، بازهم از زیان‌دیدگان رانندگی حمایت کند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۶۰). در قانون جدید بیمه به‌صراحت در ماده ۳۵، «هزینه‌های معالجه اشخاص ثالث زیان‌دیده و راننده مسبب حادثه» را با لحاظ ماده ۳۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت قابل مطالبه دانسته است. امری که در حقوق ایران تازگی داشته و به اختلافات درمورد امکان مطالبه این‌گونه خسارت پایان داده است.

در تبصره ماده ۱۲ قانون بیمه، قانون‌گذار علاوه بر افزایش مبلغ ریالی تعهد بیمه‌گر در مقابل افراد حادثه‌دیده خارج از وسیله نقلیه، بیان می‌دارد که مابه‌التفاوت خسارت بدنی هریک از زیان‌دیدگان توسط صندوق تأمین خسارت‌های بدنی وفق مقررات مربوط پرداخت می‌شود. مواد ۱۳ و ۱۴ این قانون نیز با احراز پیش‌شرطهایی در تحقق حادثه، پرداخت فوری خسارات را از سوی بیمه‌گران الزامی کرده است. در تکمیل

1- Prevention of victimization

2- Restitution

اصل حمایتی از بزه‌دیده، قانون‌گذار در ماده ۲۱ به تعریف وظایف صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در جهت گسترش حمایت‌های مادی و حتی در ماده ۳۳^۱ به ضمانت اجرای کیفری مشدد در جهت حمایت بیشتر از جبران خسارات پرداخته است.

ب) جبران خسارت معنوی^۲: این مفهوم در ابتدا در ماده ۲ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ مطرح گردید. بعدازآن به‌طور مفصل‌تری با توجه به اختلاف نظرانی که در میان دکتربین حقوقی بود، در ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ موردپذیرش قانون‌گذار قرار گرفت. در بسیاری از موارد، خسارت‌های غیرمادی به‌صورت دقیق، نه قابل تقویم به پول و نه قابل جبران است. مواردی مانند عواطف جریحه‌دارشدهٔ مادری که فرزندش را در اثر بی‌مبالاتی راننده‌ای عجول از دست داده، از موضوعاتی نیست که تنها با پرداخت وجه نقد، به حالت اولیه و عادی بازگردد. مؤسسات بیمه با توجه به این موضوع که می‌توانند با حضوری آرامش‌دهنده و استفاده از کارشناسانی آگاه به مسائل روان‌شناختی و مددکاری، موجبات تسکین و التیام قربانیان حوادث و ازجمله جرایم را فراهم سازند، باید برنامه‌هایی را تدوین و اجرا کنند. نقش مددکار بیمه بسیار مؤثر است. علاوه بر تأثیرات مطلوب برای بیمه‌گران، در جذب مشتریان جدید به‌عنوان نمونه‌ای بارز از ایفای نقش مؤسسات بیمه در حمایت از بزه‌دیدگان، اثربخش خواهد بود.

شایان‌ذکر است که پوشش پرداخت هزینه‌های درمانی مربوط به جلسات روان‌درمانی و مشاوره، به‌ویژه برای افرادی که در اثر وقوع حادثه یا عمل مجرمانه دچار اختلال استرس پس از ضربه (PTSD) شده‌اند، به تعهدات بیمه‌گر با اخذ حق بیمهٔ اضافی در جبران خسارات معنوی بزه‌دیدگان، منجر به پیشگیری اجتماعی از تخلفات

۱ - ماده ۳۳ قانون فوق: «چنانچه بیمه‌گر یا صندوق به‌رغم کامل بودن مدارک، تکلیف مقرر در ماده ۳۱ این قانون را انجام ندهند و در پرداخت خسارت تأخیر کنند و یا بیمه‌گر تکلیف مقرر در ماده ۳۲ این قانون را انجام ندهد، به پرداخت جریمه‌ای معادل نیم در هزار به‌ازای هر روز تأخیر در حق زیان‌دیده یا قائم‌مقام وی محکوم می‌شوند».

بیمه‌ای و اعتماد بیشتر به این نهاد می‌گردد (مربعی، ۱۳۸۴: ۳۹).

ج) خسارات مازاد بر یک دیه کامل: در بحث از بزه‌دیده‌شناسی حمایتی^۱، جبران خسارات مازاد، یک حمایت کیفری دنباله‌دار تلقی می‌گردد. بحث اختلافی خسارت مازاد بر یک دیه کامل که همیشه در بین دکترین حقوق کیفری نیز مطرح بوده است^۲، در این قانون رخت بر بسته و صریحاً در تبصره ماده ۹ قانون بیمه، تکلیف آن را روشن نموده و بیمه‌گذاران را مکلف به پرداخت خسارات بدنی مازاد بر دیه فرد خسارت‌دیده نموده است.^۳

د) رفع تبعیض‌های جنسیتی و مذهبی: تفاوت و ارزش‌گذاری نسبت به جنسیت‌ها، «تبعیض جنسیتی»^۴ نامیده می‌شود. بزه‌دیده‌شناسان فمینیست^۵ معتقدند که فهم و درک تبعیض جنسیتی، شالوده و اسلوبی برای فهم ماهیت تجربه‌های بزه‌دیدگی و واکنش‌های رسمی و غیررسمی نسبت به بزه‌دیدگان است؛ بنابراین حل موضوع تبعیض جنسیتی و بزه‌دیده‌زدایی ناشی از آن در حوزه تقنینی، معیار تعیین یک سیاست تقنینی عدالت‌محور است که در قالب نگاه افتراقی خود، با شناسایی تبعیض‌ها در قوانین و مصوبات، با حمایت‌های کیفری و غیرکیفری^۶ نمود پیدا می‌کند (ویلسون، ۲۰۰۹: ۹۶). تجلی این نابرابری‌ها در سیاست جنایی، بیشتر در حوزه مقررات تقنینی و فروتقنینی

1- Assistance-Oriented Victimology

۲- برای آگاهی بیشتر در این رابطه رجوع شود به:

- قائمی، مهدی و اسدی کوه باد، هرمز. (زمستان ۱۳۹۴). بررسی مبانی فقهی و حقوقی امکان مطالبه خسارت مازاد بر دیه در قانون بیمه اجباری. فصلنامه علمی - پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال هشتم، (۴)، ۱۰۱-۱۱۰.
- خالقی، علی. (۱۳۸۸). آیین دادرسی کیفری. چاپ دوم، نشر شهر دانش.
- آشوری، محمد. (۱۳۸۵). آیین دادرسی کیفری. جلد اول، نشر سمت.
- زراعت، عباس. (۱۳۸۴). حقوق جزای اختصاصی ۱، نشر فکر سازان.
- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۹۴). حقوق جزای اختصاصی ۱، نشر میزان.

۳- بر اساس تبصره ماده ۹ این قانون: «در صورتی که در یک حادثه، مسئول آن به پرداخت بیش از یک دیه به هریک از زیان‌دیدگان محکوم شود، بیمه‌گر مکلف به پرداخت کل خسارات بدنی است، اعم از اینکه مبلغ مازاد بر دیه، کمتر از یک دیه کامل یا بیشتر از آن باشد».

4-Discrimination

5-Feminism victimologies

۶- برای آگاهی بیشتر در این رابطه رجوع شود به:

- کریزی، حمیدرضا. (۱۳۹۶). بزه‌دیده‌شناسی فمینیستی (با نگاهی به سیاست جنایی تقنینی افتراقی ایران)، چاپ اول، نشر مجد.

از این جهت که تبعیض جنسیتی را معیار قانون گذاری قرار داده اند، قابل مشاهده است (کریزی، ۱۳۹۶: ۱۹۷). از این رو با توجه به آموزه های بزه دیده شناسی حمایتی و در راستای تأکید اصول ۱۳، ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی در جهت برابری حقوق زن و مرد و اقلیت های دینی، قانون بیمه نیز در ماده ۱۰ خود^۱، با این محوریت به رفع این تبعیض جنسیتی و اقلیت های دینی موجود در کشور، به اعمال پوشش بیمه ای عادلانه و گسترده تری از این طیف پرداخته است.

ه) عام الشمول شدن حمایت: این امر را می توان هم در قالب وسعت حمایت از قراردادهای بیمه ای و هم در قالب کثرت مشمولان بیمه شخص ثالث در قانون مذکور مشاهده کرد. انتهای ماده ۱۲ قانون فوق الذکر در راستای حمایت از جنین و گسترش پوشش بیمه ای به طیف بیشتر بیمه گذاران، ضمن افزایش مسئولیت مدنی شرکت های بیمه در جهت جبران خسارات زیان دیدگان، جنین را نیز وارد تعهدات بیمه گذاران کرده است. همچنین در رابطه با حمایت از بیمه گذار در جهت پیشگیری از سوء استفاده شرکت های بیمه به عنوان حمایت تقنینی نیز در ماده ۱۱ به بطلان شروط زیان زننده علیه بیمه گذاران ناآگاه پرداخته است که در جای خود، نوعی سیاست تقنینی حمایتی ویژه و پیشگیرانه تلقی می گردد.

۲- ۴) حمایت از بزه کار

در مورد اهداف مجازات دو رویکرد گذشته نگری^۲ و آینده نگری^۳ بیان شده است. مطابق رویکرد اول، فقط به جرم ارتكابی توجه می شود و هدف اصلی، آن است که مجرم، مجازات شود و به اهداف و نتایج حاصله از این امر توجه نمی شود؛ به همین خاطر به این رویکرد، سزاگرایی یا عدالت مطلق نیز گفته می شود. در برابر این رویکرد،

۱- طبق ماده ۱۰ قانون فوق: «بیمه گر مکلف است در ایفای تعهدات مندرج در این قانون، خسارت وارد شده به زیان دیدگان را بدون لحاظ جنسیت و دین تا سقف تعهدات بیمه نامه پرداخت کند. مراجع قضایی موظفند در انشای حکم پرداخت دبه، مبلغ مازاد بر دبه موضوع این ماده را به عنوان بیمه حوادث درج کنند».

نگرش آینده‌محوری و فایده‌گرایی وجود دارد که هدف از اجرای مجازات را اصلاح و بازاجتماعی‌سازی^۱ مجرم می‌داند (جوان جعفری بجنوردی و ساداتی، ۱۳۹۴: ۳۸). هدف، فقط کیفررسانی نیست، بلکه این کیفر در راستای اهداف عالی‌تر به خدمت گرفته می‌شود. قانون‌گذار ایران با پیش‌بینی تدابیری همانند تعویق صدور حکم^۲، تعلیق اجرای مجازات^۳، جایگزین‌های حبس^۴ و غیره تا حدودی سعی نموده به رویکرد دوم نزدیک شود. در رابطه با تخفیف قانونی، تبصره ۲ ماده ۲۵ جهت اجرای اصل فردی کردن مجازات، با توجه به شخصیت بزهکار تخفیف و تقسیط را جهت بازیافت خسارات از مسبب حادثه در نظر گرفته است. در قانون بیمه شخص ثالث جدید، حمایت‌های کیفری خاصی از متهم یا مجرم دیده می‌شود که در راستای پیشگیری از تکرار جرم قابل توجیه است.

۲-۴-۱) پذیرش بیمه‌نامه به‌عنوان وثیقه: توجه به این فرض حقوقی و اعمال حکومت قانونی وثیقه بر بیمه‌نامه‌های معتبر، گام مؤثری در جهت توسعه و تعامل نهاد بیمه با مراجع قضایی خواهد بود تا همانند شوراها حل اختلاف که به‌عنوان بازوان مراجع قضایی، نقش فعالی را در جهت قضا‌زدایی و حمایت از طرفین دعوا می‌نمایند، نهاد بیمه هم این نقش محوری و مهم را ایفا نماید.

۲-۴-۲) لزوم تناسب قرار تأمین کیفری با میزان خسارت: ماده ۴۹ قانون بیمه در این رابطه بیان می‌دارد که: «مراجع قضایی در دعاوی مربوط به حوادث رانندگی، در صورت وجود بیمه‌نامه معتبر و مکفی و احراز اصالت آن، صرفاً متناسب با جنبه عمومی جرم برای راننده مسبب حادثه، قرار تأمین صادر کنند». در تمامی موارد ذکر شده، هدف پیشگیرانه قانون بیمه با رعایت تکنیک‌های بازپذیرنده و اجتماعی، به‌خوبی دنبال می‌گردد؛ زیرا حمایت اجتماعی و غیرمستقیم از بزهکار یا بهتر بگوییم

1- Reform and resocialization

2 -Delay in judgment

3 -Reprieve of penalty

4 -Alternative of prisonment

فرد خاطی، در سوانح رانندگی و غیره، منجر به اعتماد بیشتر آنان به نهاد بیمه به‌عنوان متولی غیرقضایی و ایمن در پوشش خسارات ناشی از حوادث شده و در نتیجه اهداف پیشگیری اجتماعی با رویکرد تشویقی و تنبیهی از تکرار حادثه می‌کاهد.

۳) پیشگیری از طریق استمداد از ظرفیت جامعه محلی و جامعوی

در دوره معاصر، رشد روزافزون پدیده مجرمانه، همراه با ظهور اشکال و حجم‌های نوین و متنوع بزه و بزهکاری و ناکارآمدی نظام عدالت کیفری، باعث جلب توجه به واقعیت مشارکت جامعه مدنی در برنامه‌های سیاست جنایی شده که از آن به‌عنوان «سیاست جنایی مشارکتی» نام برده می‌شود (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۳۹). این راهبرد سیاست جنایی، بیانگر مشارکت مردم و نهادهای غیررسمی و غیردولتی، چه در امر پیشگیری از جرم و چه در واکنش نسبت به جرایم و انحرافات اجتماعی است و هدف مهم آن، تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه پیشگیری و پاسخ‌دهی و بازپذیری اجتماعی بزهکاران است (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۲۴). در سال‌های اخیر، شاهد استفاده از ظرفیت‌های مردمی در تأمین امنیت هستیم؛ مانند تشکیل پلیس افتخاری در پلیس پیشگیری ناجا که بر همین مبنا تأسیس شده است (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۱). ماده ۸۰ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰) در ماده ۸۰ به‌منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی در بند «ب» با عنوان «خدمت‌رسانی و بازتوانی»، یکی از محورهای مهم پیشگیری را نقش مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد به این شرح دانسته است: «بسط و توسعه نقش مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌های مشارکت‌های گروهی و تأمین مالی مبتنی بر رویکرد خیر اجتماعی و تلاش در جهت جلب مشارکت بیشتر ذی‌نفعان در تأمین منابع موردنیاز». در نهاد بیمه شخص ثالث چون بر تعاون و همیاری اجتماعی بنا نهاده شده و در آن از ظرفیت جامعه محلی به نفع جامعه محلی استفاده می‌شود، گونه‌ای از سیاست جنایی مشارکتی دیده می‌شود.

هدف قانون‌گذار در قوانین بیمه به‌خصوص قانون بیمه با توجه به غیرعمدی بودن

موارد حادثه، به سمت جبران خسارت بزه‌دیده میل دارد و تنها بخش کوچکی از قانون به موارد پیشگیری کیفری اختصاص داده شده است. سؤالی که پیش روی نظریه عدالت ترمیمی^۱ وجود دارد، این است که با توجه به واگذار کردن نقش سنتی دولت در فرایند کیفری^۲ به طرف‌های درگیر و فعال نمودن آنان برای حل و فصل امور و برقراری عدالت ترمیمی، چه تضمینی برای پذیرفتن این نقش فعال، به‌ویژه از طرف بزهکار وجود دارد؟ و چنانچه بزهکار حاضر به پذیرفتن تعهد خویش نسبت به جبران خسارت و پاسخ‌گویی در برابر بزه‌دیده نباشد، چگونه می‌توان توازن ازدست‌رفته را مجدداً برقرار کرد؟ آیا نتیجه این امر مجدداً ما را به سمت فعال نمودن دولت به‌عنوان مجری عدالت کیفری سوق نخواهد داد؟ آیا عدالت ترمیمی به پشتوانه‌ای به نام عدالت کیفری نیاز ندارد؟ از این رو بررسی آموزه‌های عدالت ترمیمی در جهت جبران خسارات بزه‌دیده و منافع بهتر او در محور آسیب ایجادشده، ما را بیشتر به هدف قانون‌گذار بیمه نزدیک می‌کند.

پژوهشی که تی‌لر در آن به بررسی تخلفات مالیاتی ۶۵۲ پرداخت‌کننده مالیات اقدام نموده، بیانگر آن است که احساس شرمساری مثبت و منفی، به‌نحو معنی‌داری با کاهش یا افزایش نرخ بزهکاری مکرر آتی مرتبط است؛ به‌نحوی که آن دسته از متخلفان مالیاتی که از جرم ارتكابی خود دچار شرمساری بازپذیرکننده^۳ مثبت شده‌اند، نرخ تکرار جرم کمتری نسبت به دسته دیگر که دچار شرمساری تحقیرکننده شده بودند، داشته‌اند (غلامی، ۱۳۷۸: ۸۲). در پژوهش تی‌لر، شرم‌من و دیگران که ناظر به مقایسه کیفیت تأثیر برنامه نشست‌های ترمیمی و رسیدگی‌های سنتی در محاکم نسبت به نرخ آتی تکرار جرم رانندگان مرتکب جرم رانندگی در حین مستی در استرالیا بوده است نیز بر این

۱- عدالت ترمیمی (Restorative Justice) سیستم پاسخ‌گویی جایگزین کیفر در جهت جبران صدمات است که شامل مواجهه با نیازهای قربانی و پاسخ‌گویی مجرم در برابر اعمالش می‌شود. این عملکرد عدالت ترمیمی در جهت برقراری تعادل بین رویکردهای مختلفی قدم برمی‌دارد که با وجود محدودیت حداقل، بر پاسخ‌گویی مجرم و جبران خسارات قربانی تأکید کند (برایان و گارنر، ۲۰۰۹: ۱۴۵۶).

2- Criminal process

3- Reiterative shaming

نکته مهم تأکید شده که آن دسته از رسیدگی‌های سستی در محاکم و نیز برنامه‌نشست‌ها که موجب ایجاد سازوکار شرمساری بازپذیرکننده شده بودند، تأثیر بیشتری در کاهش نرخ تکرار جرم داشته‌اند؛ بنابراین پیگیری این مقوله به‌عنوان یکی از سازوکارهای عدالت ترمیمی در قانون بیمه، جهت پیشگیری و حمایت بهتر از تکرار جرایم حادثه‌ای احساس می‌شود.^۱ از این رو با نگاه به نکات مذکور، آموزه‌های عدالت ترمیمی در چند محور مهم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه آموزه‌های جرم‌شناختی از حالت نظری و دانشگاهی خارج شده و نتایج آن در تمامی رشته‌هایی که به‌نوعی با علوم جنایی مرتبط هستند، جنبه عملی به خود گرفته است. قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ نیز از جمله قوانینی است که رهیافت‌های جرم‌شناختی و به‌خصوص پیشگیری از جرم در آن به‌صورت نسبی به رسمیت شناخته شده است. در قانون ذکر شده، راهبردهای پیشگیری از جرم در گونه‌های اجتماعی، وضعی و کیفری مشاهده می‌شود که در این نوشتار، فقط پیشگیری اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. این مقرر جزو اولین قوانینی است که به بحث فرهنگ‌سازی در راستای پیشگیری از جرم پرداخته شده است (تبصره ۵ ماده ۲۴). تصویب این ماده - فارغ از ایراداتی که در متن به آن پرداخته شد - بسیار امیدوارکننده بوده و می‌تواند ظرفیت مناسب و نویدبخش پیشگیری خصوصی از جرم توسط نهادهای قانونی باشد. از جمله رسالت‌های اصلی این قانون، حمایت از بزه‌دیده (بزه‌دیده‌شناسی حمایتی) است که به طرق مختلف همانند جبران خسارت مادی و معنوی، پرداخت خسارت

۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع شود به:

- بریث ویت، جان. (پاییز و زمستان ۱۳۸۳). پیوند دادن پیشگیری از جرم به عدالت ترمیمی (ترجمه علی شریف‌زاده). مجله حقوقی دادگستری، (۴۸ و ۴۹)، ۳۰۶-۲۸۵.

مازاد بر دیه، برداشته شدن تبعیض‌های جنسیتی و مذهبی برای پرداخت دیه کامل به بزه‌دیده و حمایت از جنین مورد پذیرش واقع شده است. حمایت از بزه‌کار نیز در کنار توجه به بزه‌دیده، از دیگر اندیشه‌های حاکم بر این قانون می‌باشد که در قالب پذیرفتن بیمه‌نامه شخص ثالث به عنوان نوعی قرار تأمین کیفری نمود پیدا کرده است. این امر منطبق بر تئوری جرم‌شناسی واکنش اجتماعی و به خصوص نظریه برچسب‌زنی است که بر اساس آن، برخورد انعطاف‌پذیر سیستم کیفری و ورود حداقلی افراد به فرایند کیفری می‌تواند باعث جلوگیری از الصاق برچسب مجرمانه شود که در نهایت پیشگیری از بزهکاری مجدد را در پی دارد.

همچنین در این قانون، نوعی سیاست قضازدایی نیز اتخاذ گردیده و سعی شده پرونده‌های دارای خسارت مالی اندک با توافق طرفین حل شود و تشکیل پرونده کیفری در کمترین زمان ممکن آن به عنوان یک راهبرد در دستورکار قرار گیرد. این راهبرد نیز در راستای یافته‌های عدالت ترمیمی قابل تحلیل است که بر اساس آن، باید از ظرفیت سیستم عدالت کیفری در کمترین میزان استفاده نموده و اختلافات کیفری را برای فیصله‌دادن به جامعه و اعضای محلی واگذار کرد.

پیشنهادها

۱. لازم است با توجه به شرایط روز جامعه، نهادهای ضمان عاقله و جریره را متحول کرده و سیری تکاملی و تحدیدی برای آن ترسیم نمود. این نهادها در زمان خود به نوعی حالت بیمه داشته‌اند و نیازهای زندگی قبیله‌ای را پاسخ‌گو بودند. بر این مبنا می‌توان مسئولیت ناشی از جنایت خطایی را در قالب عقد بیمه‌ای گنجانده و ضوابط و شرایط خاص آن را نیز تدوین کرد تا بتوان به وضعیت مطلوب‌تری دست یافت.

۲. در رابطه با تخفیفات قانونی در ارتباط با رانندگان، تبصره ۵ ماده ۱۸ قانون بیمه بیان می‌دارد که: «شرکت‌های بیمه موظفند در چهارچوب ضوابط مربوط نسبت به اعطای تخفیف به رانندگانی که دوره‌های آموزشی رانندگی ایمن و کم‌خطر را سپری نموده و

موفق به اخذ گواهی نامهٔ مربوط شده‌اند، اقدام کنند...». بهتر بود بیمهٔ مرکزی - حداقل در قالب آیین نامه - چهارچوب طبقه‌بندی دقیق تخفیف‌ها را مشخص می‌کرد تا انگیزهٔ رانندگان برای قانون‌مداری بیشتر و ضابطه‌مندتر گردد.

۳. تبصرهٔ مادهٔ ۶ این قانون در مورد تخفیف‌های قانونی بیان می‌دارد که: «کلیهٔ تخفیفاتی که به واسطهٔ نداشتن حوادث منجر به خسارت در قرارداد بیمهٔ موضوع این قانون اعمال شده باشد، متعلق به انتقال‌دهنده است. انتقال‌دهنده می‌تواند تخفیفات مذکور را به وسیلهٔ نقلیهٔ دیگر از همان نوع که متعلق به او یا متعلق به همسر، والدین یا اولاد بلاواسطهٔ وی باشد، منتقل کند». بهتر بود این طیف تخفیف به تمامی وسایل نقلیه و اشخاص ثالث فاقد قرابت نیز قابلیت انتقال داشته باشد تا بار انگیزشی قانون‌مداری در رانندگان بیشتر گردد.

۵. سلب حقوق اجتماعی افراد متخطی از اعمال بیمه‌نامهٔ معتبر مرتبط با وسایل نقلیه و ممنوعیت از حمل بار و مسافر، در راستای اهداف تنبیهی پیشگیری اجتماعی است که در مادهٔ ۴۴ قانون فوق‌الذکر به آن پرداخته شده است. این سیاست تنبیهی یا توان‌گیرانه می‌تواند به صورت پلکانی افزایش یابد؛ به‌طور مثال می‌توان صحبت از جریمهٔ تصاعدی رانندگان متخلف نمود تا بازدارندگی لازم را داشته باشد.

۶. همچنین در راستای اهداف تنبیهی، مادهٔ ۴۸ قانون فوق‌الذکر بیان می‌دارد که: «ستاد مدیریت حمل‌ونقل و سوخت مکلف است از صدور هرگونه کارت سوخت و تخصیص اولیهٔ سهمیه یا ادامهٔ آن برای وسیلهٔ نقلیهٔ فاقد بیمه‌نامه خودداری کند». این ماده نیز تنبیه خارج از ساختار کیفری و به صورت محرومیت بخش کوچکی از حق اجتماعی را مدنظر قرار داده است. ملاحظه می‌گردد که در موارد سه‌گانهٔ فوق، نوعی محرومیت از حقوق اجتماعی مرتبط با وسیلهٔ نقلیه پیش‌بینی شده است که می‌تواند در راستای گسترش فرهنگ بیمه و کاهش جرایم مرتبط با این حوزه بسیار کارساز باشد. مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی (سلب حق رانندگی) علاوه بر اهداف توان‌گیرانه، دارای کارکرد اصلاحی - درمانی نیز است؛ البته این هدف، زمانی محقق می‌شود که همراه با تدابیر آموزشی به راننده متخلف باشد.

منابع

- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۱). *جرم‌شناسی پیشگیری*. جلد اول، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- توجهی، عبدالعلی؛ اعتمادی، امیر. (۱۳۹۴). عاقله، ضامن جریره و بیمه جنایات خطای محض به مثابه منابع جبران خسارت. *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، سال شانزدهم، (۱) پیاپی ۱۴.
- جمشیدی، علیرضا. (۱۳۹۰). *سیاست جنایی مشارکتی*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- جوان جعفری، عبدالرضا؛ ساداتی، سید محمدجواد. (۱۳۹۴). *ماهیت فلسفی و جامعه‌شناختی کیفر*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- دلماش مارتی، میری. (۱۳۹۳). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی (ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی)*. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۰). *بزه‌دیدہ‌شناسی حمایتی*. چاپ دوم، نشر دادگستر.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۰). جایگاه بزه‌دیدہ در قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی (مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۸). *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم (علمی-ترویجی)*، (۱۹)، ۱۴۳-۱۶۲.
- رستمی، ولی. (۱۳۸۶). مشارکت مردم در فرایند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی). *فصلنامه حقوق*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۶، سال ۳۷، (۲)، ۱۳۹-۱۷۱.
- ساریخانی، عادل؛ سلطانی بهلولی، مریم. (۱۳۹۵). نقش قوه مجریه در پیشگیری اجتماعی از جرم. *مجله حقوقی دادگستری*، سال ۸۰، (۹۴).
- صبوری پور، مهدی؛ جلیل‌وند، سارا. (۱۳۹۶). نقش آموزش در پیشگیری جامعه‌مدار از نقض حقوق شهروندی توسط ضابطان دادگستری. *فصلنامه پژوهش‌های دانش‌انتظامی*، سال ۱۹، (۳)، ۱۶۷-۱۹۴.
- صفایی، سیدحسین؛ فرهانی، احمد. (۱۳۹۳). *قانون اصلاح قانون بیمه اجباری*

شخص ثالث، «هست‌ها و بایدها». فصلنامه مطالعات پژوهشی راهور، سال ۳، (۸)، ۱۳۷-۱۷۶.

- غلامی، حسین. (۱۳۷۸). شرم و پیشگیری از جرم. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، (۱۰).

- غلامی، حسین. (۱۳۹۵). کیفرشناسی؛ کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم. چاپ اول، نشر میزان.

- فرجیها، محمد. (۱۳۸۲). جنبه‌هایی از تأثیر یافته‌های جرم‌شناسی بر سیاست جنایی. مجله مدرس علوم انسانی، (۲۸).

- قسمتی تبریزی، علی. (۱۳۸۹). اجتماعی کردن خطرات. مجله حقوق تطبیقی، (۲).

- کریزی، حمیدرضا. (۱۳۹۶). بزه‌دیدة‌شناسی فمینیستی (با نگاهی به سیاست جنایی تقنینی افتراقی ایران). چاپ اول، نشر مجد.

- مبرقی، سید محمدناصر. (۱۳۸۴). گذار از منطق کیفری به منطق بیمه‌ای در سیاست جنایی ره‌آورد نوین عدالت ترمیمی. آموزه‌های حقوق کیفری، (۱۳).

- مؤمنی، اسکندر. (۱۳۹۴). تعیین میزان بازدارندگی قوانین نوین راهنمایی و رانندگی در مدیریت تخلفات جاده‌ای. فصلنامه مطالعات پژوهشی راهور، سال چهارم، (۱۳)، ۱۲۳-۱۳۹.

- میرزایی، افشین؛ محمدی، مرتضی؛ میرزایی، محمد و صفری، صیدعلی. (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر سیاست جنایی مشارکت در تأمین امنیت. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال دوازدهم، (۳)، ۱۵۵-۱۷۶.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۰). تقریرات درس جرم‌شناسی. تهران، دانشگاه شهید بهشتی نیمسال دوم تحصیلی.

- نوبهار، رحیم. (۱۳۹۵). بازخوانی انتقادی نهاد ضمان عاقله در پرتو اصل شخصی بودن مجازات‌ها. در دایره‌المعارف علوم جنایی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، نشر میزان.

- نورپور، محسن. (۱۳۹۵). نهاد بیمه به عنوان یکی از چالش‌های عدالت ترمیمی. چکیده مقالات همایش بین‌المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، چاپ اول، نشر میزان.

- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۹۴). حقوقی سازی یافته‌های جرم‌شناسانه در کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. مجله تحقیقات حقوقی، (۷۲)، ۲۳۳-۲۵۹.

- وروایی، اکبر. (۱۳۹۴). تأثیر تدابیر پیشگیری غیرکیفری بر تغییر نرخ تخلفات رانندگی پس از اجرای قانون مصوب سال ۱۳۸۹. فصلنامه مطالعات پژوهشی راهور، سال چهارم، (۱۵)، ۱۱۱-۱۲۸.

- وروایی، اکبر؛ فتاحی، علی. (۱۳۹۵). جایگاه پیشگیری وضعی در قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹. فصلنامه مطالعات پژوهشی راهور، سال پنجم، (۱۸)، ۹۳-۱۱۹.

- وروایی، اکبر؛ فتاحی، علی؛ یآوری، وحید. (۱۳۹۴). بررسی سیر تحول سیاست تقنینی ایران در کنترل جرائم و تخلفات رانندگی. فصلنامه مطالعات پژوهشی راهور، سال چهارم، (۱۲)، ۱۳۵.

- Bryan A. Garner. (2009). *Black's Law Dictionary*. Ninth Edition, Thomson Reuters, Editor in Chief publication.

- Ferguson, Claire. & Turvey, Brent. (2009). Victimology: A brief history with an introduction to forensic victimology. In *Forensic victimology: Examining violent crime victims in investigative and legal contexts*, pp. 1-32.

- Ferrell, Jeff., Keith, Hayward., Wayne, Morrison and Mike Presdee. (2004). Cultural criminology unleashed. *Annual Review of Sociology*, First published in Great Britain.

- Lab, Steven P. (2014). *Crime Prevention, Approaches, Practices and Evaluations*. Second edition, Elsevier publication.

- Wilson, Janet K. (2009). *The Praeger handbook of victimology*. Second edition, Library of Congress Cataloging-in-Publication Data.